



هنری جورج فارمر  
برگردان: بهزاد باشی





انتشارات معین

روپرتوی دانشگاه تهران، فخر رازی، فاتحی داریان، بلاک ۳ - تلفن: ۰۵۹۹۲۰۴۶۶

[www.moin-publisher.com](http://www.moin-publisher.com)

[info@moin-publisher.com](mailto:info@moin-publisher.com)

برای دریافت تازه‌های کتاب انتشارات، به کanal تلگرام ما بپیوندید.

<https://telegram.me/moinpublisher>

---

هری جورج فارمر

تاریخ موسیقی خاورزمیں

برگردان: بهزاد باشی

چاپ اول: ۱۳۹۵

چاپ دوم: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: شهر

لیتوگرافی: صدف / چاپ: مهارت

تمامی حقوق این اثر برای ناشر و خانواده مترجم محفوظ است.

تلفن مرکز فروش: ۰۶۶۹۶۱۴۹۵ - ۰۶۶۴۱۴۲۳۰

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

یادداشت مترجم	۷
پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۵
فصل اول - روزگار بتپرستی (از قرن اول تا قرن ششم میلادی)	۲۳
فصل دوم - اسلام و موسیقی	۵۳
فصل سوم - خلفای راشدین (از ۶۳۲ تا ۶۶۱ میلادی)	۸۰
فصل چهارم - بنی امیه (از ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی)	۱۱۱
فصل پنجم - عباسیان («عصر طلایی»، ۷۵۰ تا ۸۴۷ میلادی)	۱۵۹
فصل ششم - عباسیان (انحطاط، از ۸۴۷ تا ۹۴۵ م)	۲۳۴
فصل هفتم - عباسیان (سقوط، از ۹۴۵ تا ۱۲۵۸ میلادی)	۲۹۸
دوگفتار درباره خنیاگری و موسیقی ایران	۳۸۱
گفتار اول - موسیقی [تمدن اسلامی]	۳۸۳
۱ - موسیقی	۳۸۳
۲ - موسیقی عملی	۳۸۷

۳۹۱	۳- آلات موسیقی
۳۹۴	۴- آن‌ها که درباره موسیقی نوشته‌اند
۳۹۶	۵- نظریه پردازان
۴۰۳	۶- ارزش نظریه پردازان عرب
۴۰۵	۷- میراث موسیقی عرب
۴۱۲	۸- هنر عملی
۴۱۶	گفتار دوم - گوسان پارتی و سنت خنیاگری ایرانی
۴۳۳	خنیاگری حرفه‌ای در سایر ادوار تاریخی
۴۴۷	خنیاگری غیرحرفه‌ای
۴۵۶	نابودی شعر خنیاگری ایران
۴۸۱	کتابنامه
۴۸۱	۱. منابع و آثار چاپی
۵۰۲	۲. منابع و آثار خطی
۵۰۷	نمایه

## پیشگفتار

هرچند این کار پانزده سال پیش آغاز شد، ولی تا سال‌های ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۵ که تحقیق دانشجویانه‌ای را در دانشگاه گلاسگو به عهده گرفتم، شکل فعلی خود را نیافته بود. در آن دوره من اقبال تدریس درباره جنبه‌های تاریخی و زبان‌شناسی تحقیقات ت. ه. وایر فقید<sup>۱</sup> - دانشمندی با توانایی‌های استثنایی - و نیز اقبال برخورداری از راهنمایی‌های گهگاهی در مسائل مربوط به علم موسیقی از دکتر ه.ج. وات<sup>۲</sup> فقید را داشتم. مرگ، این هر دو عالم بزرگ را به کام خود درکشید. با این حال، فرصت را مغتنم شمرده و عمیق‌ترین قدردانی‌های خود را نسبت به این دو، به‌ویژه دکتر وایر، به‌خاطر راهنمایی‌ها و یاوری‌های پیوسته و بی‌وقفه‌اش، ابراز می‌دارم.

در این کتاب من نیز همان شیوه متعارف ترتیب تاریخی را رعایت کرده‌ام؛ زیرا این شیوه بهتر از هر چیز به مقاصد من کمک می‌کرد. تنها از طریق اتخاذ این نظام تاریخ‌نگاری بود که می‌توانستم معلوم کنم فرهنگ چگونه با نظمات سیاسی و اجتماعی در ارتباط است. هر فصل به سه بخش تقسیم شده است. بخش نخست [هر فصل] مربوط است به عوامل اجتماعی و سیاسی که فرهنگ کلی موسیقایی را تعیین کرده است. بخش

دوم، حیات موسیقایی هر دوره همراه با مسائل مربوط به موسیقی عملی و نظری آن را تشریح می‌کند. این بخش، تا آنجا که ممکن بوده است، از جزئیات و پیچیدگی‌های فنی دور نگاه داشته شده است؛ هرچند که مؤلف امیدوار است بتواند در کتابِ ضمیمه دیگری، به تفصیل به تئوری و علم موسیقی خاورزمیں، از نقطه‌نظر تاریخی پردازد. بخش سوم [هر فصل] به شرح حال و زندگینامه بزرگترین آهنگسازان، خوانندگان، نوازندگان، نظریه‌پردازان، دانشمندان و کلاً ادبیان اختصاص داده شده است.

در برگردان واژه‌های فارسی و عربی، نظامی را پذیرفته‌ام که کنگره بین‌المللی خاورشناسان (۱۸۹۴) تصویب کرده و انجمان سلطنتی آسیایی نیز آن را تأیید کرده است. تنها در برخی جاها (مانند حروف «ث» و «ذ») شخصاً تعدیل‌هایی به عمل آورده‌ام. تا آنجا که به نام‌های خاص مربوط است، هرجا معقول بوده، شکل عربی آن را نگاشتم مثلاً الموصل را بر «موسل» ترجیح داده‌ام در حالی که مکه، دمشق و کوردوا را به شیوه معمول فرنگی آن نوشتم؛ اما در همین مورد باز هم مدینه را به صورت المدینه آورده‌ام. واژه‌های مربوط به خلافت را به صورت عربی آن به کار برده‌ام و صمیمانه معتقدم که از عرف و عادت تجاوز چندانی نکرده‌ام. در مورد به کار بردن علامت «معرفه» عربی چندان سماجت نورزیده‌ام و همین دید انتقادی را می‌توان نسبت به ترجمه من از «حمزة» صادق دانست. در مورد علامت جمع‌های عربی، همگی عربی و غیراروپایی است.

این کتاب به گونه‌ای فراهم آمده است که هم نیازهای خاورشناسان و هم موسیقیدانان را ارضاء کند و به رغم سرنوشت محظوظ همه آن‌هایی که خواسته‌اند به دو گروه از استادان خدمت کنند، من تنها امیدوارم که این

کتاب استثنایی بر این قاعده باشد.

تشکرات صمیمانه من نثار دکتر د. س. مارگولیوت، استاد آکسفورد، و پروفسور دکتر و. ب. استیونس، استاد گلاسگو باد که اشاراتشان سودمند افتاده است. و نیز دکتر ریچارد بل از دانشگاه ادینبورو، و آقای جان واکر که کار بازخوانی و غلط‌گیری نسخه‌های اولیه چاپخانه را به ایشان مدیونم.

گلاسگو، ۱۹۲۸

## فصل اول

### روزگار بتپوستی

(از قرن اول تا قرن ششم میلادی)

«به شنیدن صدای دختر آواز خوان که در یک روز ابری ما را به وجود  
می آورد، رضا دهید.»

عبدالمیسح بن عسله (قرن ششم)  
از المفضليات

این دوره‌ای است که مسلمانان آن را جاهلیه یا «روزگار جهل» نامیده‌اند که معنای آن جهل نسبت به وحی به حضرت محمد (ص) است.<sup>۱</sup> حقیقت نیز همین است. آن ایام واقعاً دوران جهل بود، زیرا نه تنها فساد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به کلی همه‌جاگیر شده بود بلکه تمامی دانش و تمدن کهن عرب، که دو هزار سال قبل از آن شکفته شده بود، یکباره از یادها رفته بود و آنگاه که مورخان اسلامی بر آن شدند به این دوره بپردازند،

۱. جاهلیت در واقع به دوره فراگیری اشاره می‌کند که از «خلقت جهان» تا تولد حضرت محمد (ص) ادامه داشته است.

تنها توانستند با شجره‌نامه‌های افسانه‌ای، سنت‌های مبهم و حماسه‌های قهرمانی، کتابهاشان را بهم آورند. اما همین اندازه هم چندان بود که به نویسنده‌گان بعدی امکان دهد چیزی شبیه بنایی پدید آورند که زیربنای آن به وسیله بناهای تاریخی و کتبیه‌ها تأمین شده بود.

اعراب روزگار بتپرستی، از آن همه قلمروهای عتیق که با مَگان، سبو، ملوخه و غیر آن در دوران شکوفایی آشوریان - بابلیان پدید آمده بود، جز اندکی نمی‌دانستند. نزدیکترین چیزی که اینان می‌توانستند از گذشته‌ها دریابند، جمله‌ای از یک ضربالمثل، آواز یا داستانی درباره مردمان عاد، عمالیق، تمود، طسم و جدیس<sup>۱</sup> بود که قرآن مجید پیوسته در برابر چشمان کسانی می‌گیرد که می‌گویند «الله الا الله» تا هشداری دائمی نسبت به تقدیر شوم نیاکان مغورو و خوشگذران ایشان باشد که در خاک شدند و از میان رفتند. اما سقوط سرزمین‌های کهن عرب، همانطور که قبلًا اشاره شد، ناشی از عوامل سیاسی و اقتصادی بود که مهاجرت‌های بعدی هم آن را تسريع کرد.

مورخان همه با این نظر موافقند که کوچ نخستین نسل از اعراب مهاجر از عربستان جنوبی به سمت شمال، حدوداً در قرن دوم میلادی آغاز شده است.<sup>۲</sup> این در واقع همان مهاجرت قوم بنوآزاد است که افسانه، آن را با شکستن سد معروف مأرب ارتباط داده است.<sup>۳</sup> این جنبش مهاجرتی بهزودی توسعه یافت و خون جدیدی از عرب را به کالبد نه تنها حجاز، یمامه، عمان، حجر و بحرین ریخت، بلکه به بین‌النهرین و سوریه نیز که هنوز اخلاف اقوام سامي، که فرهنگشان برای تمدن آن قدر گرانبها بود، و

۱. قرآن کریم، سوره‌های هفتم، یازدهم، بیست و ششم و چهل و ششم.

2. Muir, Mohammad, ۱۶ Cf. Nicholson Literary History of the Arabs, 15.17.

۳. مسعودی، جلد سوم، ص ۳۷۸

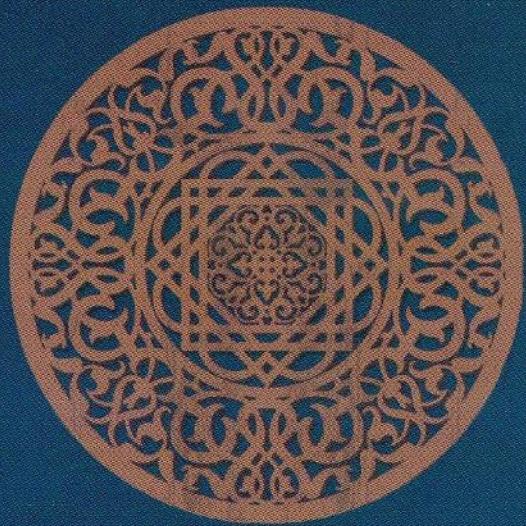
در آن یافت می‌شد، جان تازه‌ای بخشدید. بخش اعظم تمدن سامی به توسط اعراب کلدانی، نبطی و پالمیری (البته به کمک ایرانیان و یونانیان) و پیر به توسط آرامیان، یهودیان و سوری‌ها که بخش اعظم جمعیت آنجا را تشکیل می‌دادند محفوظ نگاهداشته شده بود. این همان فرهنگ است که به دست ساکنان فرهنگی جدید عربستان رسید هر چند که سرانجام شکوفه‌های فراوان آن در روزگار رونق اسلامی، به بار نشست.

## ۱

عربستان جنوبی، این قدیم‌ترین قلمرو عرب، به رغم انحطاط سیاسی و بازرگانی، باز هم کمی از پرتو فرهنگ باستان را باز می‌تاباند. در آغاز ظهور مسیحیت، حکام سبایی از قوم بنو همدان در مأرب فرمان می‌رانند. در قرن چهارم میلادی «پادشاهان سبا» به بنحو چمیر یعنی دو دهانی تعلق داشتند که تا سال ۵۲۵ باقی ماندند. در این دوره شعرو و موسیقی شکوفا شد اما هیچیک از قطعات متعلق به این نواحی تعلق ندارد (الاعشی در نجران زندگی می‌کرد) در عوض بیشتر قسمت‌های مفضلیات و حماسه، خون عربستان جنوبی را در خود دارند. ما در میان حکمرانان <sup>۱</sup>تیغ، به نام ابن الیثرا برمی‌خوریم که با نام مستعار ذوجدان (دارنده صدای خوش)<sup>۲</sup> نیز شناخته می‌شد که آلس بن زید، آخرین حکمران <sup>۲</sup>تیغ نیز همین لقب را یدک می‌کشید. و اصفهانی می‌گوید او (در میان شاهزادگان؟) نخستین کسی است که در یمن آواز خوانده است.<sup>۲</sup>

1. Caussin de Perceval, Hist. Arabes. I, 75-6.

2. اغانی، چهارم، ۳۷



این اثر گنج شایگانی است که نزدیک به شصت سال در انتظار ترجمه‌ی فارسی مانده بود. عنوان اصلی کتاب "تاریخ موسیقی عرب" است اما در واقع تاریخ موسیقی تمامی خاورزمیں است که ایران بزرگ از سمت مشرق، و تمامی بین‌النهرین، شام و حجاز را از سمت مغرب در بر می‌گیرد و برای خاورزمیں دو سمت شرقی و غربی قابل می‌شود. از این رودر ترجمه‌ی فارسی نام "تاریخ موسیقی خاور زمین، ایران بزرگ و سرزمین‌های مجاور" که با متن کتاب سازگار است، انتخاب شده است.

شاید بحث درباره‌ی جنبه‌های فراموش شده و کهن موسیقی ایران، امری باشد که خود ایرانیان باید به آن پردازند، با این همه این کتاب به‌گونه‌ای فراهم آمده است که هم نیازهای خاورشناسان و هم موسیقی‌دانان را ارضاء کند و به رغم سرنوشت محظوظ همه‌ی آنها بی‌که خواسته‌اند به دو گروه از استادان خدمت کنند، من تنها امیدوارم که این کتاب استثنایی براین قاعده باشد.

بتهون شیار  
مرکز موسیقی بتهون شیار

